



چرا دعا اصل عبادت است؟

سیر منطقی و خلاصه جلسه هفدهم

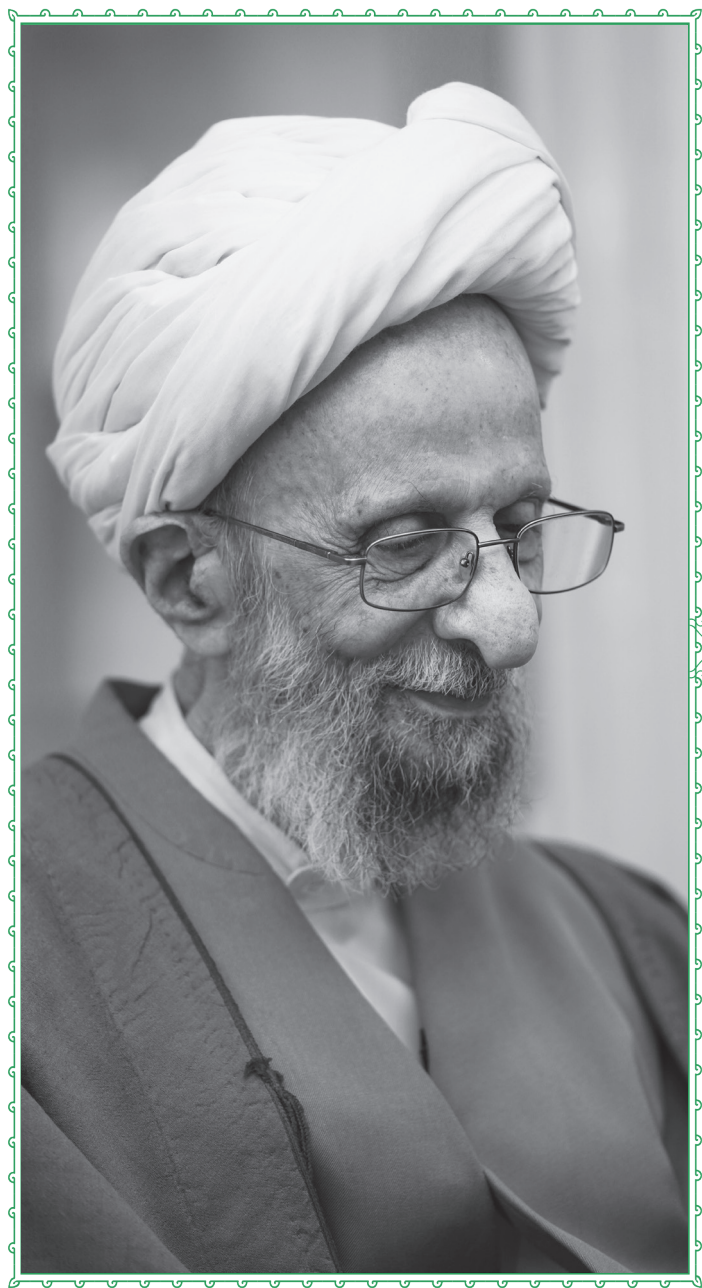
«به سوی بهار»؛ نگاهی دوباره به سلسله

جلسات شرح دعای ۴۴ صحیفه سجادیه

توسط مرحوم علامه مصباح یزدی رحمۃ اللہ علیہ

کاری از رسانه [@MESBAHYAZDI-IR](https://www.mesbahyazdi.ir)





بسم الله الرحمن الرحيم

• سیر منطقی مباحث

هدف از آفرینش انسان، رسیدن به مقام قرب الهی است، مقامی که تنها از طریق بندگی و عبادات اختیاری قابل دستیابی است. فرشتگان با وجود مقام والای خود، سرشتی ثابت دارند که جز عبادت لذتی نمی‌برند و به گناه گرایشی ندارند، در حالی که انسان و جن، با تمایلات متفاوت، توانایی انتخاب عبادت خدا را دارند و می‌توانند به مقامی فراتر از فرشتگان برسند. بندگی واقعی مستلزم درک فقر مطلق انسان در برابر غنای الهی است و تنها با عمل به این باور، می‌توان آن را اثبات کرد.

دعا که در لسان روایات «مخ عبادت» نامیده شده، تجلی رابطه انسان و خداست؛ نوسانی بین نیاز انسان و لطف خدا که در آن انسان ضعف خود را در کنار کرم الهی می‌بیند. اما رفتار انسان گاه برخلاف این باور است و مالکیت خویش را حتی در عبادات مانند زکات و خمس، مقدم می‌داند.

حضرت امام سجاد علیه السلام در دعای ماه رمضان، خدا را به حق ماه مبارک و عبادانش قسم داده و برای توفیق بهترین عبادات دعا می‌کنند، در حالی که خود را بی‌چیز و محتاج فضل الهی می‌دانند. چنین تواضعی، کمال بندگی است.

• متن دعا:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ، أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ، وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالِغَةِ فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مِنْ اسْتِحَقَّ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ؛ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم، به حق این ماه و به حق هر که در این ماه، از آغاز تا انجام، تو را پرستش کرده است، از فرشته‌ای که مقرب درگاه توست، یا پیامبری که فرستاده‌ای، یا بنده صالحی که او را برگزیده‌ای، بر محمد ﷺ و اهل بیت گرامی‌اش درود فرست و در این ماه، ما را مستحق کراماتی فرما که به اولیای خود وعده داده‌ای و در این ماه، ما را از آنچه برای عابدان سخت‌کوش در اطاعتت مقرر داشتی، برخوردار کن و ما را در صف کسانی قرار ده که آنان را در سایه رحمت خود، مستحق مقام عالی و والا قرار داده‌ای.»

• خلاصه مباحث

۱. مقدمه

امام سجاد علیه السلام در این فراز از دعا به مسائلی پیرامون عبودیت خداوند اشاره دارند. برای توضیح این قسمت از چند اصل در معارف اسلامی به عنوان اصل موضوع استفاده می‌کنیم؛ البته هر يك از این اصل‌ها در جای خود با ادله عقلی و با آیات کریمه قرآن و روایات شریفه بیان و اثبات شده، و در اینجا ما به عنوان اصل موضوع برای توضیح بحث به آن‌ها استناد می‌کنیم.

۱. اصل اول: انسان موجود مختار

هدف از آفرینش انسان، لیاقت دریافت رحمت عالی خداوند است که تنها از طریق اعمال اختیاری به دست می‌آید. فرشتگان با درجات متفاوت خود، از رحمت الهی بهره‌مند هستند و سرشت آن‌ها طوری است که جز عبادت لذتی ندارند و به گناه گرایشی پیدا نمی‌کنند، لذا در همین حد شایسته‌ی رحمت الهی‌اند. اما انسان و جن با داشتن تمایل به خوبی‌ها و بدی‌ها، این توانایی را دارند که راه عبادت خدا را برگزینند و مقامی فراتر از فرشتگان به دست آورند.

۲. اصل دوم: بندگی تنها راه کمال

رسیدن به چنین مقام (مقام قرب الهی) تنها از طریق بندگی و عبادت خداوند ممکن است. بر اساس آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، هدف آفرینش جن و انس



عبادت خدا بوده و این یگانه راه رسیدن به کمال و قرب الهی است.^۱

۳. اصل سوم: مفهوم شناسی بندگی

اصل سوم در واقع تفسیر بندگی و عبادت است؛ عبادت یعنی این که انسان تلاش کند بنده بودن خود را درک کند و عملاً آن را ثابت کند. رفتارش رفتاری باشد که نشان دهنده بندگی اوست. اما با چه رفتاری بندگی را نشان می‌دهد؟ انسان هنگامی که درک کند هر چه هست مال خدا است و انسان از خودش هیچ ندارد. و این را در عمل هم نشان دهد به مقام بندگی دست یافته است.

اگرچه معتقدیم همه چیز متعلق به خداست، اما رفتار ما همیشه این باور را نشان نمی‌دهد. بندگی واقعی این است که انسان در عمل نیز نشان دهد بنده خداست و همه چیز خود را از او بداند. اگر خواست خدا را بر خواسته خود مقدم نکنیم، نشان دهنده آن است که بندگی حقیقی نداریم. بندگی واقعی انسان را به کمال می‌رساند، و اولیاء خدا و پیامبر اکرم (ص) نمونه کامل این بندگی بوده‌اند. چنین بندگی‌ای انسان را به خدا نزدیک و مشمول عالی‌ترین رحمت الهی می‌سازد.

۴. اصل چهارم: جایگاه دعا در بندگی

حقیقت بندگی خداوند در دعا متبلور می‌شود. به همین جهت، در لسان ائمه معصوم (علیهم السلام) از دعا به مخ

و مغز عبادت تعبیر شده است^۲ بدین توضیح که عبادت به معنای توجه به این دو جنبه است؛ ضعف و فقر انسان در کنار کرم و غنای الهی. دعا نیز انعکاس این رابطه است و بیانگر نوسان بین نیاز انسان و لطف خداست. حقیقت عبادت این است که انسان به نداشتن خود و داشتن خداوند ایمان داشته باشد و این رابطه را در عمل نشان دهد. دعا ساده‌ترین راه برای نشان دادن این مهم است.^۳

۲. بندگی از ادعا تا واقعیت

انسان باید این حالت بین فقر خود و غنای الهی را همیشه در نظر داشته باشد همه ما به زبان می‌گوییم که آن چه داریم خدا داده است اما خیلی خود را دارا می‌دانیم از تعبیر گفتاری ساده مثل گفتن اموال خودم، دست و پای خودم، علم خودم تا در مقام عمل که دیدگاه خود مالک پنداری خود را نشان می‌دهد مانند سخت‌گیری در پرداخت خمس و زکات در حالی که این مال متعلق به خداست و افتخار است که مال خدا به دست تو به بنده محتاج خدا برسد؛ ثوابش هم به تو می‌رسد. اما ته دل مان این است که: نه، مال خدا نیست؛ مال خودمان است و خدا می‌خواهد از ما باج بگیرد.

۲. ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۷، باب «استحباب الإكثار من الدعاء»

۳. وقتی مضامین دعاها را ملاحظه می‌فرمایید، به عنوان مثال دعای ابوحمزه، در دعایی به این بزرگی و فخامت می‌بینیم مضمون بعضی از فرازها توجه به بندگی و فقر و بیچارگی؛ بنده است، و در بعضی از قسمت‌ها بیشتر توجه به کرم خدا و لطف و بخشش و رحمت اوست؛ گویا فرد در حال دعا يك نگاه به خود می‌کند و يك نگاه به خدا.

۱. تنبیهی از جانب خداوند برای یادآوری بندگی

در نجف استاد بزرگی سه روز متوالی، یک درس را عیناً تکرار کرد. وقتی علت را پرسیدند، استاد گفت فکرش پیش نمی‌رود و تنها همان مطالب قبلی به ذهنش می‌آید. این نشانه‌ای از طرف خداست که برای جلوگیری از عُجب و وسوسه‌های شیطانی، انسان را متوجه کند که همه چیز به عنایت الهی است و بدون آن حتی ممکن است همان مطالب قبلی را هم فراموش کند.

۲. نشانه درک بندگی حقیقی

اگر کسی به این اعتقاد واقعاً عمل کند، در بعضی اوقات، حالت آدم ورشکسته را پیدا می‌کند. اگر من تا امروز خود را مالک می‌دانستم؛ اما امروز دست خالی شدم و هیچ چیز ندارم. تا دیروز تصور می‌کردم عباداتی دارم، اعمال و ثوابی دارم، ولی حالا متوجه شدم این عبادات مال من نبود؛ بلکه خدا توفیق داده بود. علاوه بر این اگر درست فکر کنم، می‌بینم در خیلی موارد معلوم نیست چه اندازه اخلاص داشته‌ام.

۳. وقتی انسان می‌فهمد هیچ ندارد

رفتن به درگاه خدا نیازمند استحقاق و اهلیت است، اما انسانی که می‌بیند خودش چیزی ندارد و هر عمل نیکویی که انجام داده، از لطف و توفیق الهی بوده است از خدا می‌خواهد که به خاطر کسانی که نزد او احترام دارند، به او



رحم کند و به هر چیزی که احتمال احترام نزد خدا دارد، متوسل می‌شود.

به همین دلیل است که حضرت سجاد در ادامه دعا خدا را به ماه رمضان و به عابدان ماه رمضان قسم می‌دهند؛ اگر ما هم چنین حالی را پیدا کنیم می‌فهمیم که جای همین کار است؛ وقتی آدم توجه کند به این که من از خودم هیچ ندارم، حتی لیاقت چیزی را ندارم.

۴. فلسفه گریه معصومین

چرا ائمه معصوم علیهم‌السلام چنین بیاناتی داشتند و به وجود نازنین خود نسبت گناه می‌دادند و به همین جهت، استغفار می‌کردند؟ شاید بدین جهت باشد که کمال بندگی به این است که بنده در مقام اظهار عبودیت در پیشگاه حضرت حق، خود را يك مجموعه تهی ببیند. خود را حقیقتاً فقیر محض بداند. منشأ هر زشتی و عیبی را همین فقر و نداری بداند؛ بنابراین، آن بزرگواران همه عیب‌ها، زشتی‌ها و پستی‌ها را از بنده می‌دیدند و رفع آن را به خداوند منسوب می‌دانستند. پس تمام عزت‌ها از خداست؛ چون اگر داده‌های خدا نباشد، بنده، ذلیل‌ترین است.

۵. توسل کلید رهایی و بخشایش الهی

حضرت سجاد علیه‌السلام بین نگاه به فضل و رحمت الهی و ناچیزی خود در نوسان بودند. هنگام توجه به کرم الهی، از خدا خواستند در ماه رمضان توفیق بهترین عبادات را

نصیبتان کند، اعمالی که حتی فرشتگان به آن درجه از فضیلت نرسند و هنگام توجه به ناچیزی خود، خدا را به حق ماه رمضان و عبادت‌کنندگان در آن قسم می‌دادند تا مشمول فضل خدا شوند.

در این شب‌های ماه رمضان، ما نیز باید به شفیعیانی چون امیرالمؤمنین علیه السلام متوسل شویم، بزرگوار عزیزی که مقام والایش نزد خداوند بی‌نظیر است. یک نگاه یا قطره اشک او کافی است که به برکتش دوستان و پیروانش آمرزیده شوند. ما باید از خدا بخواهیم که به حق مقام امیرالمؤمنین علیه السلام ما را از دوستان و پیروان او قرار دهد و مشمول عنایات خاصش گرداند.

۱۳۸۷، ۰۶، ۲۹

متن و صوت کامل جلسه را از [اینجا](#) ببینید



@mesbahyazdi_ir | mesbahyazdi.ir